

بخش یکم

عربستان و سرزمین‌های همجوار
در آستانه ظهور اسلام

شبه جزیره عربستان قبل از اسلام

مقدمه

مطالعه و بررسی تاریخ صدر اسلام بدون توجه به وضعیت شبه جزیره عربستان مطالعه ای دقیق و کامل نخواهد بود. امکان درک عظمت تلاش پیامبر خدا ﷺ در پی ریزی تمدن مترقی اسلامی، زمانی فراهم می شود که وضعیت اعتقادی، اجتماعی و سیاسی مردمان شبه جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام را دریابیم؛ از این رو، در این درس به بررسی زندگی عرب جاهلی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اعتقادی می پردازیم.

وضعیت جغرافیایی و اقلیمی شبه جزیره عربستان مرکز ظهور اسلام، شهر مقدس مکه، واقع در شبه جزیره عربستان است. عربستان را شبه جزیره نامیده اند؛ زیرا از سه سمت شرقی، جنوبی و غربی، به خلیج فارس، دریای عمان، خلیج عدن و دریای سرخ محصور است. برخی نیز به علت وجود بعضی رودهای بزرگ و طویل همچون فرات و عاصی در سمت شمال که هنگام نزدیک شدن به هم در بلندی های سرزمین شام، مرزی آبی را پدید می آورند، نام جزیره العرب^۱ بر آن نهاده اند.

بیشترین بخش این سرزمین را نواحی بیابانی و خشک پوشیده از شن زارهای پهناور فراگرفته است. مناطق مرتفع و درّه های کوچک و بزرگ بین آنها نیز از دیگر بخش های این شبه جزیره است. نواحی بیابانی (بادیه) سرتاسر مناطق شمال تا جنوب عربستان را فراگرفته که به ترتیب از شمال به جنوب عبارت اند از: بادیه الشام نفود، دهناء و ربع الخالی که آن را پهناورترین بیابان جهان دانسته اند. از دره های موجود در بین ارتفاعات عربستان نیز با عنوان «وادی» یاد می شده و بعضی از این وادی هادر مسیر کاروان های تجاری بین شمال و جنوب قرار داشته است؛ از وادی های معروف، می توان به حَضْرَمَوْت، دواسر، سِرْحان و رومّة اشاره کرد.

۱- این شبه جزیره هم اکنون از چند واحد سیاسی تشکیل شده که عبارت اند از: کشورهای عربستان، یمن، عمان، بحرین، امارات متحده عربی، قطر و کویت. مرزهای غیر آبی این شبه جزیره از سمت شمال، به کشورهای عراق و اردن محدود است.



شبه جزیره عربستان



عرب بوده و هست. عرب‌های جنوب به عرب عاربه یا قحطانی، و عرب‌های ساکن مکه و اطراف آن به عرب مستعربه یا عدنانی معروف بوده‌اند.^۱ در دیگر نواحی این سرزمین، قبایل پراکنده‌ای می‌زیستند که بعضی از آنها ساکنان اصلی و دیرین شبه جزیره عربستان و بعضی دیگر، مهاجران از مناطق دیگر بودند. به عنوان مثال، یهودیان ساکن مدینه، خیبر و بعضی از مناطق دیگر، از مناطق شمالی به درون شبه جزیره عربستان مهاجرت کرده بودند. مردمان این سرزمین، در دو شکل شهرنشین و بیابان‌نشین زندگی می‌کردند. شهرنشینی در بخش جنوب رواج بیشتر داشت و در بخش‌های مرکزی نیز به علت وجود زمینه‌های دینی یا طبیعی، شهرهایی همچون مکه، طائف و یثرب پدید آمده بود.

بیابان‌های پوشیده از ریگ‌های روان و کمبود بارندگی، امکان پدید آمدن سرزمین‌های آباد و مسکونی را در این نواحی محدود کرده بود؛ البته مناطق اندکی نیز به علت زمینه‌های دینی (همچون مکه) و یا امکان کشاورزی (همچون طائف و یثرب) به محل تجمع و سکونت قبایل تبدیل شدند و رفته رفته شکل یک شهر را به خود گرفتند.

برخلاف مناطق مرکزی، مناطق جنوبی شبه جزیره عربستان (یمن) از بارش نسبتاً منظم باران برخوردار است که موجب رونق کشاورزی، و در نتیجه، پدید آمدن مناطق پرجمعیت و پیدایش تمدن‌ها و حکومت بوده است.

اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شبه جزیره عربستان

ساکنان : شبه جزیره عربستان، محل زندگی نژاد



آثار به جا مانده از قوم عاد در جنوب عربستان

۱- عرب‌های ساکن جنوب (یمن) از آنجا که خود را از نسل یَعْرَب بن قَحْطَان، و قحطان را نیز نسل پنجم حضرت نوح علیه السلام به شمار می‌آوردند، به عرب‌های قحطانی موسوم بوده‌اند و اینان چون خود را ساکنان اصلی شبه جزیره عربستان می‌دانستند، خود را عرب عاربه (اصیل و پیوسته) نامیده بودند. اما عرب‌های ساکن شمال یمن که عمدتاً در مکه و اطراف آن حضور داشتند، چون از نسل عدنان (از نواده‌های حضرت اسماعیل علیه السلام) بودند، عرب عدنانی نامیده می‌شدند. از آنجا که موطن اصلی آنان، عربستان نبود، به عرب مستعربه (غیراصیل) معروف بودند. آن دسته از قبایل عرب را نیز که از میان رفته و دیگر اثری از آنان باقی نبود، عرب بائده می‌نامیدند؛ همچون عاد، ثمود و جُرْهُم.



آثار به جا مانده از قوم نمود در شمال عربستان

شیخ قبیله وظایفی مانند تصمیم برای ماندن در یک ناحیه یا کوچ کردن، جنگ و یا صلح با دیگر قبایل و پذیرفتن عضو جدید قبیله را برعهده داشت. افراد قبیله نیز خود را موظف به اطاعت بی چون و چرا از شیخ قبیله می دانستند. دوره قبل از ظهور اسلام را اصطلاحاً عصر جاهلی می نامند. در این زمان، مردم ساکن در سرزمین عربستان در جاهلیتی شگفت آور به سر می بردند. یکی از جلوه های آشکار عصر جاهلی وجود جنگ و قتل و غارت بود که محدودیت و کمبود منابع طبیعی نقش مهمی در این شیوه رفتار داشت. البته عامل اصلی این گونه انحرافات، وجود اخلاق و روحیات جاهلانه بود که اسلام به مبارزه با آن برخاست. عرب جاهلی در زمینه

نظام اجتماعی: زندگی در صحرا و در کنار قبیله، شرایط و مقررات خاصی را برای صحرائشینان به دنبال می آورد. آنها پیوسته به دنبال آب در حرکت بودند و به علت محدودیت آب و چراگاه، همواره برای دستیابی به امکانات بهتر، در رقابت با دیگر قبایل به سر می بردند. در این رقابت، آنها نیاز به کمک و یاری یکدیگر داشتند؛ بدین لحاظ تعدادی از افراد که رابطه نسبی و سببی با هم داشتند، تحت عنوان یک قبیله یا عشیره^۱ دور هم جمع می شدند و با یکدیگر زندگی می کردند. آنان از میان خود، کسی را به عنوان شیخ و رئیس قبیله بر می گزیدند. البته شیخ قبیله می باید شرایطی همچون تواضع، حلم، صبر، سخاوت و شجاعت را می داشت.

جنگ و قتل و غارت تا جایی پیش رفته بود که ترک این عادت، حتی در ماه‌های حرام نیز برای او دشوار بود. قبایل جاهلی، برای آنکه در جنگ‌ها تنها نباشند، گاه پیمان‌هایی با یکدیگر می‌بستند، تا در هنگام بروز جنگ، قبایل هم پیمان به یاری یکدیگر بشتابند. شایان توجه آنکه در این پیمان‌ها، معمولاً جز حمایت و یاری هم پیمان - در هر شرایطی - هدف و معیار دیگری وجود نداشت. بنابراین، حتی در صورت ظالم و مقصر بودن

هم پیمان نیز، قبیله دیگر باید به یاری آن می‌شتافت. مردم دوره جاهلی گرفتار صفات بد اخلاقی بودند. در این دوره، ستم و تجاوز بر حقوق یکدیگر رواج داشت. میخانه‌ها دایر و شراب‌خواری، سنتی رایج بود. برده‌داری ظالمانه و بهره‌کشی فساد آلود از کنیزان، جزء رسوم پذیرفته آنان بود. خوراک آنان، غذاهای خشن و خون و مردار، و نوشیدنی ایشان، آب‌های کدر و تیره بود.

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا امروزه نیز نمونه‌های اخلاق مردم جاهلی را می‌بینید؟

عرب جاهلی در زندگی خانوادگی نیز گرفتار کژی‌های بسیار بود. در خانواده جاهلی، مردسالاری حاکم بود و زنان حتی در ابتدایی‌ترین امور، حق اظهار نظر نداشتند. دختران تا زمانی که در خانه پدر بودند، حتی درباره ازدواجشان نیز قدرت انتخاب نداشتند و پس از ازدواج نیز می‌بایست مطیع محض همسرشان باشند و از حق ارث نیز محروم بودند.

عرب جاهلی گاه از ترس گرسنگی و یا به علت قربانی کردن برای خدایان، فرزندان دختر یا پسر خود را می‌کشتند. همچنین، ترس از اسارت به دست دشمنان، دلیل دیگری برای کشتن فرزندان دختر بود. آنان با سنت غلط نفی و لحاق، گاه فرزند حقیقی خود را نفی می‌کردند و از خود می‌رانند. گاهی نیز کسانی را به فرزندی می‌پذیرفتند و تمام احکام فرزند حقیقی را بر او مترتب می‌کردند.

زندگی اقتصادی: وضعیت اقتصادی در یک

منطقه تا حد زیادی به نوع آب و هوا و امکانات طبیعی بستگی دارد. چنان که اشاره شد، شبه جزیره عربستان منطقه‌ای است کم آب، بدون زمین‌های مناسب و کافی برای کشاورزی. این امر به خودی خود بی‌میلی عرب‌ها را به کشاورزی به دنبال داشت. در عین حال، در جنوب جزیره العرب امکانات کشاورزی به خوبی فراهم بود. در مناطق مرکزی نیز شهرهایی همچون طائف و یرب و نقاطی چون خیبر، از امکان زراعت برخوردار بودند.

وجود برخی معادن همچون طلا، نقره، آهن و مس نیز در این سرزمین گزارش شده، اما استخراج آنها نیاز به دانش فنی داشت که عرب جاهلی - غالباً - از آن محروم بود. البته آنان گاه از آهن، شمشیر، خنجر و دیگر ادوات نظامی می‌ساختند و آهن مورد نیاز را از داخل یا خارج شبه جزیره فراهم می‌کردند.

صنعت چوب نیز به علت کمبود جنگل‌ها و درختان رونقی نداشت؛ از این رو، نقل شده که در سال

۳۵ عام الفیل^۱، قریش برای بازسازی خانهٔ کعبه، از چوب‌های یک کشتی شکستهٔ رومی موجود در ساحل دریای سرخ بهره گرفتند. از نظر دامداری نیز عرب‌ها، حیواناتی همچون شتر، اسب، الاغ، گوسفند، بز و گاو را می‌پروراندند. اما از این میان، شتر جایگاه دیگری داشت. شتر رمز بدوی بودن و صحرا نوردی، و تنها حیوانی بود که با زندگی سخت و خشن عرب‌های بیابان‌نشین سازگاری داشت؛ جاننداری که می‌تواند چندین روز را بدون آب به سر برد و در صورت نیاز، صاحبش آن را بکشد و آب ذخیره شده در شکمبه‌اش را بنوشد. انسان صحرائشین، از پشم شتر (وَبْر)^۲ برای خیمه، و از شیر آن برای نوشیدن و رفع گرسنگی و از خودش به هنگام لزوم، به عنوان غذا و سرمایه بهره می‌برد.

اما عرب‌های ساکن مکه، راه تجارت را در پیش گرفته بودند؛ زیرا به هیچ وجه، امکان زراعت در این شهر وجود نداشت. آنان تا دورهٔ زندگانی هاشم بن عبدمناف (جدّ پیامبر ﷺ) به صورت نامنظم تجارت می‌کردند. اما هاشم سفرهای منظم زمستانی (به یمن) و تابستانی (به شام) را دایر کرد و همین ابتکار، نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی مکه و ساکنان آن داشت. هاشم به منظور تسهیل تجارت و تأمین امنیت، پیمان‌هایی را با قبایل و دولت‌های در مسیر تجارتِ اهل مکه منعقد کرد. اهل مکه در ایام حج، بازارهایی دایر می‌کردند و کالاهای رسیده از نقاط

مختلف در آنجا عرضه می‌شد.

وضعیت فرهنگی و اعتقادی: وضعیت فرهنگی

عرب جاهلی را باید در دو بخش علم و آموزش و نیز اعتقادات بررسی کرد.

علم و آموزش: از مهم‌ترین نشانه‌های پیشرفت علمی یک جامعه، میزان بهره‌مندی آحاد آن جامعه از سواد خواندن و نوشتن، و نیز فراوانی آثار مکتوب در آن است. شواهد تاریخی حکایت از آن دارند که عرب جاهلی در برخی مناطق، کاملاً از نعمت سواد بی‌بهره بود و در جاهایی مثل مکه نیز بهره‌ای بسیار اندک داشت. بعضی از تاریخ‌نویسان، تعداد باسوادان مکه در آستانهٔ ظهور اسلام را ۱۷ نفر بر شمرده‌اند. در شهر یثرب نیز در میان اوس و خزرج، به ندرت فردی با سواد یافت می‌شد و البته وضع یهودیان در این زمینه بهتر بود. در دیگر مناطق نیز وضع بدین منوال بود. بنابر روایتی، رسول خدا ﷺ نامه‌ای برای قبیلهٔ بکر بن وائل فرستاد اما در میان این قبیلهٔ بزرگ کسی که قادر به خواندن آن باشد، یافت نشد! البته در مناطق جنوب که از مظاهر تمدنی برخوردار بودند، دانش و سواد رواج بیشتری داشت. عرب جاهلی مجهز به برخی از علوم و فنون بود که بیشتر جنبهٔ تجربی داشت؛ فنونی همچون شعر، خطابه، طبابت (با روش‌های ساده و غیر علمی)، ستاره‌شناسی، کهنات^۳، علم الانساب^۴ و علم الایام^۵.

۱- مراد عرب جاهلی از عام الفیل، همان سال حملهٔ ابرهه به مکه با سپاهی است که چند فیل را پیشاپیش آن حرکت داد، و در نهایت، گرفتار عذاب الهی شد، و این سال در عصر جاهلی مبدأ تاریخ شد.

۲- بدین جهت به عرب بیابان گرد، اهل وَبْر گفته می‌شد؛ چنان که به شهرنشینان، اهل مَدَر (به معنی گِل و کنایه از خانه و ساختمان) یا اهل حَضَر (به معنی حضور و استقرار در یک مکان) می‌گفتند.

۳- کهنات شاخه‌ای از فنون عرب جاهلی بوده و کاهن به کسی گفته می‌شد که با نوعی تیزی، خبرهایی را از آینده می‌داد. از این رو، عرب‌های عصر جاهلی برای حل مشکلات خود به آنان مراجعه می‌کردند.

۴- علم الانساب، یعنی شناخت روابط نسبی و خویشاوندی بین افراد؛ و به کسی که دارای این علم بود، نسابه می‌گفتند.

۵- علم الایام، یعنی شناخت حوادث و رویدادهای مهم گذشته، به ویژه جنگ‌هایی که در قبایل رخ می‌داد.

دین و عقاید: به لحاظ اعتقادی نیز در دوره جاهلی، سرزمین عربستان شاهد حضور جلوه‌های گوناگون دینی و اعتقادی بود، اما می‌توان گفت، گرایش غالب و رایج اعتقادی، تمایل به شرک و بت‌پرستی بود. پیشینه اعتقادی مردم این سرزمین، توحید و یکتاپرستی بود؛ چرا که حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش - حضرت اسماعیل علیه السلام - برای تثبیت عقیده توحید در سرزمین عربستان تلاش زیادی کردند؛ ولی به مرور زمان، مجدداً جلوه‌های انحراف دینی در میان مردم این سرزمین - به ویژه در مکه - رسوخ کرد. در آستانه ظهور اسلام، از کسانی با عنوان حنفاء یاد می‌شود که از شرک و بت‌پرستی منزجر و گرایش به توحید داشته، خود را پیرو دین حنیف

حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی می‌کردند.

در عصر جاهلی، کسانی بودند که از اساس خدا را قبول نداشتند که از آنان با عنوان دهریون یاد می‌شود. بسیاری نیز بودند که ضمن اعتقاد به الله، گرفتار عقاید شرک آلود بودند. جلوه‌های شرک، به جز بت‌پرستی، در گرایش‌هایی همچون پرستش جن و فرشته و خورشید و ماه و ستاره نیز نمود داشت. مشرکان، «الله» را به عنوان خالق هستی قبول داشتند، اما به جز خداوند، موجوداتی همچون جن و فرشته را در تدبیر امور هستی دارای نقش و اثر می‌دانستند. در کنار این گرایش‌های اعتقادی، پیروان ادیان آسمانی همچون یهودیان و مسیحیان نیز در نقاط مختلف این سرزمین حضور داشتند.



جغرافیای سیاسی، اجتماعی و دینی جزیره العرب قبل از ظهور اسلام
 مأخذ: اطلس تاریخ اسلام، صادق آئینه‌وند

به نظر شما امروز نیز در جهان، عقایدی شبیه عقاید بت پرستان و دیگر مشرکان عصر جاهلی وجود دارد؟ آگاهی های خود را در این باره به بحث بگذارید.

همچون دولت بئرا، پالمیرا و غسانیان نیز وجود داشتند. در مناطق بیابانی و خشک، جمعیت به صورت پراکنده و غیر متمرکز حضور داشت. البته در حاشیه نواحی بیابانی برخی کانون های جمعیتی شکل گرفته بود؛ به عنوان مثال، شهر یثرب به خاطر چشمه ها و چاه ها و زمین های مستعد برای کشت و کار، ساکنان ثابتی داشته و نیز در شمالی ترین نقطه، منطقه تبوک و دومة الجندل از مناطق پرجمعیت بوده اند. هم چنین شهر مکه در جنوب یثرب و در نزدیکی دریای سرخ، به علت موقعیت دینی و تجاری، و شهر طائف در نزدیکی جنوب شرقی مکه، به علت موقعیت زراعی، جزء مناطق پرجمعیت بوده اند. با این وجود، در مناطق یاد شده، دولت و حکومت به شکل مناطق جنوب یا شمال (شام و عراق) شکل نگرفت. در یثرب دو قبیله اوس و خزرج در کنار یهودیان به شکل قبیله ای می زیستند و تنها در آستانه هجرت رسول خدا ﷺ بنا بر آن بود که شخصی به نام عبدالله بن اُبی را به شاهی برگزینند. در مکه نیز اداره شهر از طریق تقسیم مناصب حکومتی میان رؤسای قبایل مختلف انجام می گرفت.

وضع سیاسی: وضعیت سیاسی نواحی مختلف شبه جزیره عربستان در عصر جاهلی تحت تأثیر ویژگی های اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن سرزمین ها قرار داشت.

در جنوب شبه جزیره عربستان به علت وجود آب و هوای نسبتاً مناسب و تراکم جمعیت، شهرها و آبادی هایی به وجود آمد. این وضعیت به دنبال خود، وضع قانون و مقررات و حکومت های مجری قوانین را پدید آورد؛ از این رو، صدها سال پیش از میلاد، در جنوب این شبه جزیره، دولت ها و تمدن هایی ایجاد شده بود. این دولت ها عبارت بودند از: معینیان، سبئیان، قَتَبان، خَضَرَمَوْت و حِمیریان. از مهم ترین این دولت ها، دولت سبئیان است که در قرآن کریم نیز سوره ای به این نام آمده است.^۱ یکی از پادشاهان این دولت، ملکه بلقیس بوده که داستان او و حضرت سلیمان علیه السلام در قرآن آمده است.^۲ گفتنی است هنوز آثاری از این دولت ها در یمن به جای مانده است؛ مثلاً قصر عُمدان که از بقایای حکومت حمیریان است و با بیست طبقه، از شگفتی های ساخته دست بشر بوده است.

در شمال جزیره العرب نیز دولت روم در مناطق شام حضور گسترده داشت و دولت های دست نشانده رومیان،

۱- در سوره سبأ، آیه ۱۵ تا ۱۷ به نعمت های سرشار قوم سبأ و نیز کفران نعمت توسط آنان، و گرفتار شدن به عذاب سیل اشاره شده است.

۲- سوره نمل، آیات ۴۴-۲۲.

ماه‌های حرام و مسئله نسیء

مردم عرب جاهلی با وجود صفات زشت بسیار، به بعضی از سنت‌های الهی نیز پایبند بودند. یکی از این سنت‌ها، حرمت ماه‌های چهارگانه قمری بود. توضیح آنکه پس از بازسازی خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم علیه السلام و دستور خداوند برای اعلام وجوب حج به وسیله آن حضرت، ماه‌هایی که در آنها زیارت خانه خدا صورت می‌گرفت، به عنوان ماه‌های حرام (أَشْهُرُ حُرْمٍ) معرفی شد و این به معنای ممنوعیت جنگ و قتل و غارت در این ماه‌ها بود تا راه‌ها برای سفر زائران به خانه خدا امن باشند. این ماه‌ها عبارت بودند از: رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم. زائران در ماه رجب برای اعمال عُمره و در ماه ذی القعدة و ذی الحجة برای اعمال حج به شهر مکه سفر می‌کردند و در ماه محرم باز می‌گشتند. در عصر جاهلی، از آنجا که ترک جنگ و غارت در طول ماه‌های حرام برای عرب جاهلی دشوار بود، لذا قبایل - با توافق یکدیگر - اقدام به جابه‌جا کردن ماه‌های حرام با دیگر ماه‌ها می‌کردند. قرآن کریم، این اقدام زشت را با عنوان نسیء یاد کرده و آن را حرام شمرده است (توبه، ۳۷). در آخرین سال حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در جریان حجة الوداع، آن حضرت ضمن خطبه‌ای، هر گونه ایجاد تغییر در ماه‌ها را ممنوع اعلام کرد. برخی از محققان، انگیزه دیگری نیز برای نسیء ذکر کرده‌اند؛ آنان معتقدند مردم عصر جاهلی در هر سه سال قمری، یک ماه به سال می‌افزودند تا سال قمری و سال شمسی با هم منطبق شوند. برخی نیز معتقدند قریش به منظور منطبق ساختن ایام حج با زمان وصول کالاهای تجاری به مکه، اقدام به جابه‌جایی ماه‌ها می‌کردند.



تصویری کهن از خانه کعبه و مسجد الحرام

- ۱- شرایط اقتصادی در عربستان عصر جاهلی چگونه بود؟ توضیح دهید.
- ۲- وضع سیاسی مناطق مرکزی عربستان قبل از اسلام را تشریح کنید.
- ۳- عرب جاهلی از نظر اعتقادی در چه شرایطی به سر می‌برد؟ به صورت کوتاه توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- در خطبه‌های ۲۶ و ۹۵ نهج البلاغه، توصیف وضعیت عرب جاهلی به چشم می‌خورد. گزارشی از این دو خطبه تهیه کنید.
- ۲- به نظر شما با وجود فضای شرک‌آلود، چرا برخی از مردم عصر جاهلی گرایش به توحید پیدا کردند؟
- ۳- یکی از سوره‌های کوتاه قرآن، به سفرهای تابستانی و زمستانی قریش اختصاص یافته است. درباره این سوره، و نقش هاشم بن عبدمناف در ارتباط با این سفرها، پژوهشی انجام دهید.

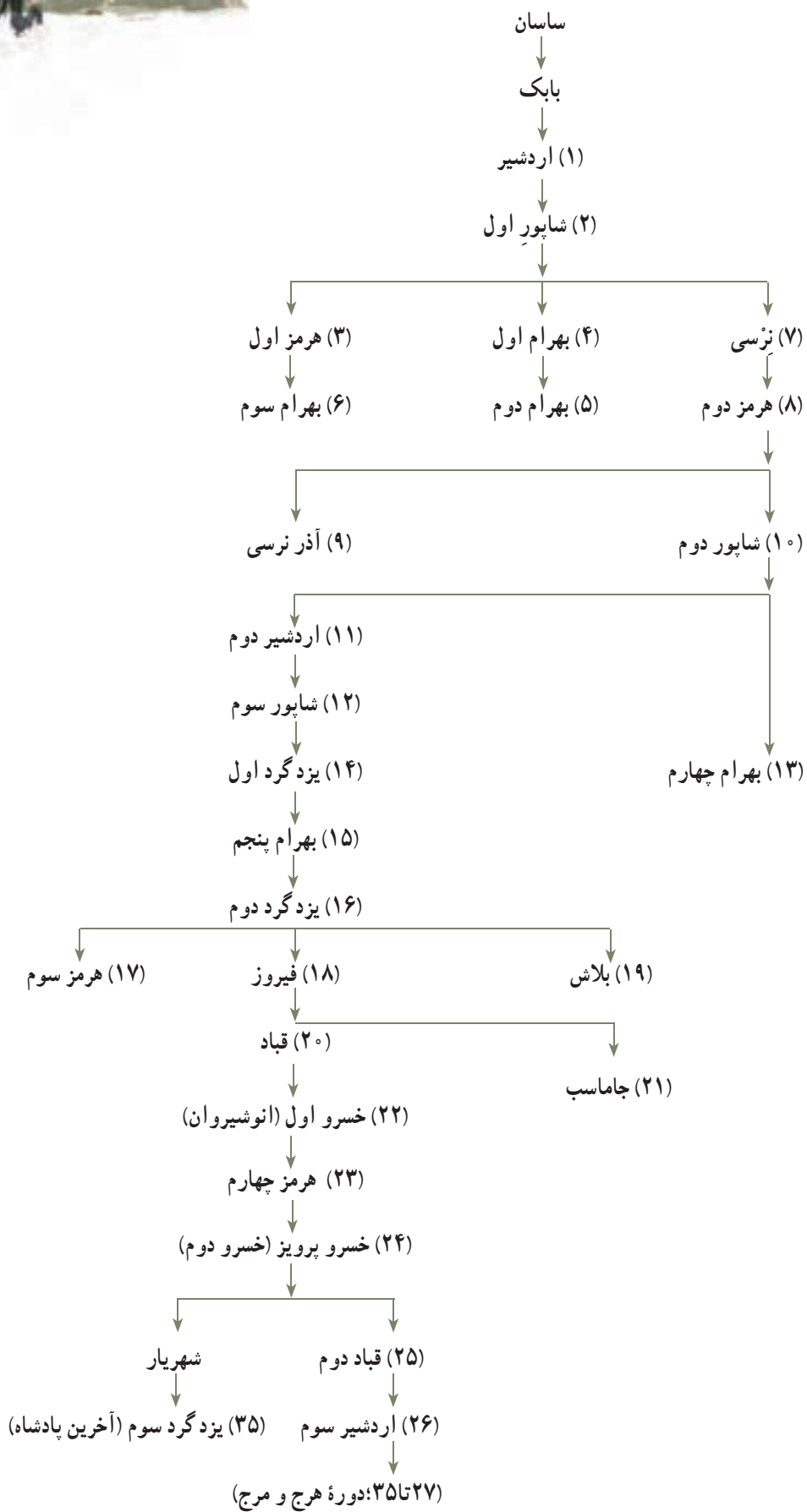
امپراتوری‌های ایران و روم

مقدمه

در درس قبل با اوضاع اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی شبه جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام آشنا شدید. در این درس وضعیت اجتماعی، سیاسی و دینی دو امپراتوری ایران و روم به صورت گذرا بررسی می‌شود.

وضع سیاسی ایران

در آستانه پیدایش اسلام، ایران شاهد حاکمیت شاهان ساسانی بود. سرزمین پهناور و کهن ایران حکومت‌های متنوع و گوناگونی به خود دیده بود؛ دولت‌های ایلام، ماد، هخامنشی، سلوکی، اشکانی و سرانجام ساسانی. دولت ساسانی در سال ۲۲۶ میلادی توسط اردشیر بابکان تأسیس، و در سال ۶۵۲ میلادی (مطابق با ۳۱ هجری) پس از ۴۲۶ سال منقرض شد. سی و پنجمین پادشاه ساسانی، یزدگرد سوم بود که در دوره پادشاهی او، ایران با حمله عرب‌های مسلمان مواجه گشت. در دوره ساسانیان، تشکیلات پیچیده حکومتی و نیز مظاهر تمدنی زیادی پدید آمد اما مردم به لحاظ اجتماعی و دینی وضع نابهنجاری داشتند.



یکی از معروف‌ترین پادشاهان ساسانی، خسرو انوشیروان است که مورّخان او را بزرگ‌ترین شاه ساسانی دانسته‌اند. در دورهٔ پادشاهی او، سلسلهٔ ساسانی به اوج عظمت خود رسید و حوادث زیادی رخ داد که یکی از مهم‌ترین آنها، ولادت حضرت رسول خدا ﷺ بود. از دیگر پادشاهان صاحب نام در اواخر سلسلهٔ ساسانی، خسرو پرویز (نوهٔ خسرو انوشیروان) است که پادشاهی او

مصادف با ظهور اسلام و دعوت سران کشورها به اسلام توسط رسول خدا ﷺ بود. شاهان ساسانی معمولاً خود را شخصیتی ربّانی (بَع) معرفی می‌کردند^۱. بدین لحاظ، حضور افراد عادی در دربار امکان‌پذیر نبود و بزرگان نیز با تشریفات عجیب و سختی می‌توانستند به مجلس شاه راه یابند.

یک توضیح

دربار ساسانی

در دربار شاهان ساسانی، آداب و رسوم بسیار سخت و دقیقی رعایت می‌شده است. جایگاه صاحبان مشاغل بزرگ و مشاوران و مقرّبان شاه، با کمال دقت معین شده بود و هر طبقه‌ای در فاصله‌ای معین از طبقهٔ دیگر و از شاه بایستی قرار می‌گرفتند و مردم معمولی ناقص‌اندام و بی‌اندازه دراز یا کوتاه، گوزپشت و کسانی که به خوی بد متهم بودند و آنان که پدرانشان پیشه‌های پست داشتند (چون بافنده و رگ‌زن و غیره) حق نزدیک شدن به شاه را نداشتند. اگر کسی می‌خواست به حضور شاه برسد، پس از اذن شاه، ابتدا از آستین خویش، دستار سفید و پاکیزه‌ای بیرون آورده بر دهان خویش می‌بست تا نفس او فَرّه ایزدی^۲ را آلوده نسازد! سپس داخل می‌شد و با دیدن شاه به خاک می‌افتاد و همچنان می‌ماند تا شاه او را فرمان دهد که از خاک برخیزد. آن‌گاه او برخاسته، تعظیم می‌کرد و سلام داده و عرض حاجت می‌کرد.^۳

دربار پادشاهان ساسانی همواره با تجلّ و شکوه ظاهری عجیبی همراه بود. امروزه خرابه‌ای از کاخ معروف تیسفون در مدائن باقی مانده است. این خرابه‌ها

به جز عبرت‌آموزی، حکایت از عظمت این کاخ و زندگی تجمّل‌اتی حاکمان در دورهٔ ساسانی دارند.

۱- پادشاهان ساسانی را معمولاً با لقب «شماخ‌بَغان» (شما وجود الهی یا مقام الوهیت شما) خطاب می‌کردند و خسرو دوم نیز خود را چنین خوانده است: «انسانی جاویدان در میان خدایان و خدایی بسیار توانا در میان آدمیان، و صاحب شهرت؛ شهریاری که با خورشید طالع می‌شود و دیدگان شب عطا کرده اوست»؛ کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۵۲۹ و ۵۸۴.

۲- فَرّه ایزدی، یعنی شکوه و جلال خدایی که شاهان ساسانی برای خود قائل بودند.

۳- کریستن سن، وضع ملت و دولت و دربار در دورهٔ شاهنشاهی ساسانیان، ص ۱۳۷-۱۳۸.



ایوانِ مدائن

زیادی به وضع حکومت و دولت مردانِ آن جامعه بستگی دارد. در دورهٔ ساسانی، نوع نگاه حکومت به جامعه، نگاهی طبقاتی بود؛ به گونه‌ای که ارتقا از یک طبقه به طبقهٔ دیگر امکان‌پذیر نبود^۱. در این نظام مردم به چهار طبقه تقسیم می‌شدند:

۱- روحانیان (قضات، معلمان و علمای دینی)

۲- جنگیان (ارتشیان؛ سواره و پیاده)

۳- مستخدمین ادارات (مُنشیان، نویسندگان احکام

محاکم و اجازه‌نامه‌ها و قراردادهای، مورخان، پزشکان و

منجمان) شرایط اجتماعی حاکم بر یک جامعه، تا حدود

طبیعی است که کاخ‌های مجلل، هزینه‌هایی سنگین نیز می‌طلبید و این هزینه‌ها، در کنار مخارج طاقت‌فرسای درباریان و زنان و فرزندان و وابستگان شاهان ساسانی^۱ همواره بر دوش طبقات محروم و اقشار عادی جامعه بود. عظمت فاجعه، زمانی روشن‌تر می‌شود که بر این هزینه‌ها، مخارج جنگ‌های ممتد و طولانی ایران و روم را اضافه کنیم.

شرایط اجتماعی در ایران

۱- همان، ص ۱۴۵-۱۴۴ به عنوان نمونه، در روایات تاریخی، درباره خسرو پرویز چنین توصیف شده است: «وی در قصر خویش به جز دختران مُطرب و مغنی، ۳۰۰۰ زن، ۳۰۰۰ خادم مرد، ۸۵۰۰ مَرکب، ۷۶۰ فیل و ۱۲۰۰۰ قاطر برای حمل بُنه داشت». (همان ص ۱۵۲) نیز شایان توجه است که یزدگرد سوم به هنگام فرار از حملهٔ مسلمانان، هزار آشپز، هزار خواننده، هزار یوزبان نگهبان (یوزهای شکاری) و هزار بازیان (بازهای شکاری) با خود داشت؛ اما بازهم این گروه را هنوز کم می‌دانست (ایران در زمان ساسانیان، ص ۶۵۵) ارقام یاد شده ممکن است خالی از مبالغه نباشد، اما به هر حال حکایت از وضع دربار ساسانی می‌تواند داشته باشد.

۲- به عنوان مثال، هنگامی که بهرام گور خواست طبق ذوق خود، خنیاگران و رامشگران را یک طبقه بالاتر بنشانند، با اعتراض شدید موبدان مواجه

۴- توده ملت (تجار، کشاورزان، صنعت‌گران و...) چنان که ملاحظه می‌شود، توده ملت در پایین‌ترین طبقه قرار داشتند و این سنت موهوم به گونه‌ای نهادینه شده بود که مذهب، قانون، فرهنگ و اندیشه، همه در خدمت آن بود و کسی قدرت برهم‌زدن آن را نداشت. در جامعه ساسانی، مقامات حکومت در دست هفت خانواده بود^۱ و مالکیت تقریباً در انحصار این هفت خانواده قرار داشت. در این نظام حفظ خون و نژاد و نقش آن در کسب رتبه‌های اجتماعی، اهمیت بالایی داشت. طبقات پایین - همچون کشاورزان - در نهایت ذلت و خواری به سر می‌بردند. آنان

هنگام بروز جنگ - بدون آنکه خود بخواهند - ناچار از شرکت در جنگ بودند و باید بدون سلاح و به صورت پیاده در عقب لشکر حرکت می‌کردند، ضمن اینکه هیچ اجر و مزدی نیز دریافت نمی‌کردند. در چنان جامعه‌ای، تحصیلات عالی نیز همچون حق مالکیت، شکل طبقاتی داشت و مختص طبقات ممتاز بود و مردم عادی از این نعمت محروم بودند. با وجود این، بار اصلی پرداخت مالیات و تأمین هزینه‌های سنگین دربار و جنگ بر دوش عامه مردم بود. مالیات‌ها عناوینی همچون: مالیات سرانه، مالیات اراضی، تحفه‌ها و هدایای روزهای عید داشت.

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می‌توانید تفاوت‌های نظام اجتماعی عصر ساسانی و نظام اجتماعی اسلام را بیان کنید؟ به نظر شما، آیا این تفاوت‌ها نقشی در قبول اسلام به وسیله ایرانیان داشته است؟

اوضاع دینی ایران

او جهان آفرینش را متشکل از دو اصل خیر و شر می‌دید و انسان‌ها را به پیروی از سه اصل اخلاقی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک فرا می‌خواند. پس از زرتشت، دین او در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی گرفتار کژی‌ها و تحریفات شد. در دوران هخامنشی، پرستش مهر و ناهید و در دوره سلوکی و اشکانی پرستش بعضی رب‌النوع‌های یونانی به این مذهب راه یافت. در دوره ساسانیان، آیین زرتشتی، دین رسمی

در آستانه ظهور اسلام، دین رسمی ایرانیان زرتشتی بود. زرتشت پیامبری آسمانی بود که بنا بر نظریه مشهور، در قرن هفتم قبل از میلاد مسیح علیه السلام می‌زیست^۲. پیش از او اقوام ایلامی و سپس آریایی‌ها، در سرزمین ایران آیین‌های دینی آمیخته با شرک و خرافات را تجربه کرده بودند و اینک، زرتشت با هدف متحد کردن اقوام آریایی و مقابله با چندگانه پرستی و خرافات ظهور کرده بود. هدف او، ترویج پرستش اهورامزدا (پروردگار قادر و یکتا) بود.

۱- خانواده‌های ساسانی، کارن، سورن، اسپاهبُد، اسپندیاد، مهران و زیک.

۲- درباره تاریخ زندگانی زرتشت اختلاف زیادی میان دانشمندان وجود دارد و زمان وی حتی به ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح علیه السلام نیز برده شده

است (بنگرید به: حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۵۷).

تأثیرگذار بود.

در آغاز، ساسانیان نسبت به ورود دیگر ادیان همچون مسیحیت، بودایی و صابئین^۱ به ایران، چندان حساس نبودند، اما رفته رفته در این باره موضع گرفتند. گفتنی است، تلاش رومیان برای تبلیغ و ترویج مسیحیت و رقابت دولت ساسانی با دولت روم و همچنین فشار روحانیون زرتشتی موجب بروز این حساسیت شد؛ البته در اواخر دوره ساسانی (عهد خسرو پرویز) آزادی‌های نسبی توسط وی، برای مسیحیان فراهم شد.

ایرانیان بود. آتشگاه‌های بسیاری در گوشه و کنار ایران بنا شد و موبدان (روحانیون) زرتشتی مقامی بالا یافتند و این پیوند میان دین و دولت، تا آخر دوره ساسانی ادامه یافت.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آیین زرتشتی – به ویژه در عصر ساسانیان – آداب و رسوم و دستورهای بسیار سخت و طاقت‌فرسای دینی بود که در نتیجه دخل و تصرفات روحانیون زرتشتی پدیدآمده بود. این مسئله در بروز دو مذهب جدید توسط مانی و مزدک در این دوره

یک توضیح

مانی و مزدک

مانی در سال ۲۱۵ م. در یکی از دهات بابل (در عراق) متولد شد. وی پس از گذراندن تحصیلات مرسوم روز و مدتی مطالعه، خود را به عنوان همان پیامبری که مسیح بشارت ظهور او را داده، معرفی کرد. او پس از مطالعات وسیعی که در ادیان آن روزگار انجام داد، از هر یک، بخشی را که موافق سلیقه‌اش بود، برگزید و در سال ۲۴۲ م. مجموعه‌ای مرکب و مختلط به عنوان دین جهانی عرضه کرد. گرایش شاپور اول به او، موجب رواج سریع دین او شد، ولی بهرام اول تحت تأثیر روحانیون زرتشتی، در سال ۲۷۶ م. مانی را محاکمه کرد و به قتل رساند. اما پیروان او حتی تا اواخر دوره ساسانی به فعالیت مشغول بودند.

در دوران سلطنت قباد، فردی به نام مزدک که مردی فعال و دارای پشتکار بود با استفاده از زمینه مساعد جامعه ایران که پر از ظلم و فساد و تبعیض بود، انقلاب عظیمی علیه طبقات اشراف به راه انداخت. پادشاه وقت ساسانی (قباد) که خود از نفوذ اشراف و روحانیون زرتشتی ناراحت بود، از مزدک حمایت کرد اما با تحریک ولیعهدش – انوشیروان – مزدکیان رو به ضعف و شکست نهادند و در سال ۵۲۸ م طی نقشه‌ای توسط انوشیروان، زمینه قتل مزدک و پیروانش فراهم و اجرا شد.

۱- پیروان حضرت یحیی علیه السلام که به علت عقاید و مقررات دینی خاصی که دارند، معمولاً در حاشیه رودها زندگی می‌کنند. در قرآن کریم از آنان یاد شده و دین آنان از ادیان آسمانی است. امروزه، تعداد اندکی از آنان در جنوب غربی ایران و جنوب شرقی عراق حضور دارند.



امپراتوری روم

تجزیه امپراتوری بزرگ روم، در سال ۳۹۵ میلادی،
به دو بخش شرقی و غربی بود؛ اما روم غربی در سال
۴۷۶ میلادی به وسیله اقوام وحشی بربر نابود شد.

در آستانه ظهور اسلام، در کنار حکومت قدرتمند
ساسانی در ایران، امپراتوری روم شرقی- با مرکزیت
قسطنطنیه^۱- حضور داشت. این امپراتوری حاصل



بقایایی از قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری روم شرقی (بیزانس)

امپراتوری روم و ایران، رقابت‌ها و جنگ‌های ممتدی بود
که به جنگ‌های هفتصد ساله معروف است و آسیب‌های
فراوانی را برای مردمان هر دو کشور ایجاد کرده بود. این

در قرن ششم میلادی و همزمان با پادشاهی
خسروانوشیروان در ایران، ژوستینیان امپراتور روم
شرقی بود. یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود میان دو

۱- استانبول امروزی که در سال ۱۴۵۳ میلادی به دست ترکان عثمانی افتاد.

مالکیت زمین و شرکت در انتخابات مخصوص رومی‌های اصیل بود و مردمان غیررومی سهمی در این کار نداشتند. اما گروه بردگان از ستم مضاعفی نیز رنج می‌بردند؛ چرا که آنان گاه به عنوان وسیله‌ای برای تفریح ثروتمندان و اشراف رومی تبدیل شده و ناچار بودند در میدانی مسابقه با یکدیگر یا با حیوانات وحشی تا سرحد مرگ بجنگند!

جنگ‌ها در دوره ژوستینیان نیز ادامه یافت و او توانست بر وسعت قلمرو خود بیفزاید. اما این پیروزی‌ها دوام و ثبات زیادی نداشت و در دوره خسرو پرویز غلبه با ایران بود، هر چند آن نیز دوام نیاورد! جامعه روم نیز - همچون ایران قبل از اسلام - از گونه‌ای نظام طبقاتی رنج می‌برد. در این جامعه، حق

فکر کنید و پاسخ دهید

با توجه به آنچه خواندید، آیا می‌توانید جامعه روم قبل از اسلام را نیز جامعه‌ای جاهلی بدانید؟ چرا؟

مسیحیت

از روزی که عیسی مسیح علیه السلام آیین خود را اعلام و شاگردانش را برای ترویج این آیین به نقاط مختلف اعزام کرد، رفته‌رفته مسیحیت توسط عده زیادی از مردم - به ویژه محرومان و بردگان - پذیرفته شد. از آنجا که تعلیم مسیحیت با نفی ستم و نیز دعوت به عدالت و پرهیزکاری، در نقطه مقابل منافع عالمان یهودی و حاکمان رومی قرار داشت، روند فشارها بر مسیحیان رو به گسترش نهاد. با وجود این، جذابیت‌های تعلیم عیسی مسیح علیه السلام روز به روز بر دامنه پیروان آیین مسیحیت می‌افزود تا این که امپراتور کنستانتین^۱ به مسیحیت گرایید و این دین را در سال ۳۱۲ م رسمیت بخشید.

در قرن ششم میلادی که رسول خدا صلی الله علیه و آله پا به عرصه هستی نهاد، دین مسیحیت گرفتار وضعیت نابهنجاری شده بود؛ چرا که برخی از روحانیون دنیا طلب مسیحی، تعلیم

اصیل و ناب عیسی مسیح علیه السلام را دستخوش دگرگونی و تحریف کرده بودند؛ بدین جهت، یکی از پیامدهای مهم رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله زدودن غبار تحریف و ناراستی از چهره این دین الهی و آسمانی بود.

رقابت‌های ایران و روم در شبه جزیره عربستان

چنان که اشاره شد، رقابت‌ها و جنگ‌های کمرشکن ایران و روم، فشار زیادی را بر دوش ملت‌های هر دو امپراتوری تحمیل کرده بود. قلمرو این رقابت‌ها به مناطق مرزی ایران و روم در آسیا و آسیای صغیر و عراق محدود نمی‌شد و مناطقی از شمال آفریقا را نیز در بر می‌گرفت. یکی از مناطق مورد رقابت ایران و روم، یمن در جنوب شبه جزیره عربستان بود. پس از گرایش امپراتور روم شرقی به مسیحیت،

۱- او همان است که شهر قسطنطنیه (کنستانتینوپولیس) را بنا نهاد.

تلاش‌هایی برای گسترش این آیین در مناطق شمال آفریقا صورت گرفت که به مسیحی‌شدن مردم حبشه انجامید. در اواسط سده چهارم میلادی، از سوی امپراتوری روم شرقی هیئتی روانه جنوب جزیره العرب شد و کلیساهایی در ظُفَّار و عَدَن تأسیس کرد که موجب نفوذ مسیحیت به یمن شد. اما در سده ششم میلادی، فردی به نام ذونُواس، پادشاه حمیریان در یمن شد و پس از گرایش به یهودیت به آزار و شکنجه مسیحیان اقدام کرد. به دستور وی، گودال‌هایی از آتش فراهم شد و مسیحیانی که حاضر به ترک آیین خود نبودند به درون آتش انداخته می‌شدند.^۱

اقدام ذونواس موجب شد که حکومت مسیحی حبشه، شخصاً یا به اشاره ژوستی نین – امپراتور روم شرقی – سپاهی به یمن اعزام کند که به شکست و کشته شدن ذونواس انجامید و سراسر منطقه به دست حبشیان افتاد. پس از سالیانی، حمیریان یمن که از حکومت حبشیان برخود خشنود نبودند، از خسرو انوشیروان یاری طلبیدند و او نیز، سرداری به نام «وَهْرَزْدِیلمی» را به همراه سپاهی به یمن فرستاد و یمن به دست ایرانیان افتاد. پس از وهرز، سه حاکم دیگر ایرانی بر یمن حکم راندند که آخرین ایشان – باذان – پس از دریافت دعوت اسلامی به اسلام گروید.

دولت لخمیان

در درس قبل اشاره کردیم که در قسمت‌های جنوبی و شمالی شبه جزیره عربستان در عصر جاهلی، به علت وضعیت نسبتاً مساعدتر آب و هوایی، حکومت‌های متمرکزی پدید آمده است، اما بخش‌های مرکزی این چنین نبود. یکی از دولت‌های منطقه شمال، دولت لخمیان با مرکزیت منطقه حیره در عراق بود. این دولت را به نام آخرین پادشاه آن، آل منذر نیز نامیده‌اند. آنان تابع دولت ساسانی و متحد با آن در جنگ با رومیان بودند. مردم حیره ظاهراً از مهاجران جنوب عربستان و از نژاد قحطانی بوده‌اند، ولی اقوام عدنانی نیز در آنجا ساکن شده‌اند. سلطه پادشاهان آل لخم، گاه تا داخل شبه جزیره عربستان نیز گسترش می‌یافت و آنان همچون سدی در برابر نفوذ عرب‌های بیابان نشین به قلمرو ساسانیان بودند و از سوی دیگر با دولت عَسَّانی در شام (متحد امپراتوری روم) می‌جنگیدند. این دولت تا آغاز سده هفتم میلادی برپا بود. آخرین پادشاه آنان، نعمان بن منذر است که در سال ۶۰۲ م. توسط خسرو پرویز زندانی و سپس کشته شد. نعمان بن امرء القیس نیز از شاهان معروف آنان است که کاخ‌های سدیر و خُورنُق را ساخت و سپس معمار کاخ‌ها – سِنِمَار – را برای مخفی ماندن راز بنای آنها به قتل رسانید!

۱- در قرآن کریم در سوره بروج، آیات ۴ به بعد با عنوان «اصحاب الاخدود» به این واقعه اشاره شده است.

- ۱- مردم ایران عصر ساسانی به چند طبقه تقسیم شده بودند؟ توضیح دهید.
- ۲- وضعیت دینی ایران عصر ساسانی چگونه بود؟
- ۳- محتوای اصلی دعوت زرتشت چه بود؟
- ۴- وضعیت اجتماعی روم در آستانه ظهور اسلام را توصیف کنید.
- ۵- محتوای دعوت حضرت مسیح علیه السلام چه بود؟ چه کسانی به او گرویدند؟ مخالفانش چه کسانی بودند؟
- ۶- ذونواس که بود؟ چه کرد؟ و رفتار او چه پیامدهایی داشت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- آیا میان ناهنجاری‌های اجتماعی در سه جامعه عربستان، ایران و روم و عصر جاهلی وجوه تشابهی می‌بینید؟
- ۲- از قصه ذونواس با عنوان اصحاب اخدود در سورة بروج یاد شده است. با بهره‌گیری از کتاب‌های تفسیر و نیز قصص قرآن، پژوهشی درباره این جریان انجام دهید.